

تحلیل پدیدارشناسی آثار منفی شهرک‌های صنعتی بر تجربه زیسته مردم بومی روستا (مطالعه موردی شهرک صنعتی خیرآباد آراک)

مسعوده نیکویی فرد* - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی
محمود نصیری - کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی
محمدرضا رضوانی - استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

چکیده

در مطالعات مربوط به ارزیابی آثار صنعتی‌سازی بر توسعه روستایی، بیشتر، پیامدهای مثبت این پدیده در نظر گرفته شده و به آثار منفی آن بر مردم بومی روستا صریح و همه‌جانبه پرداخته نشده است. یکی از دلایل این امر آن است که نظریه جامعی درباره پیامدهای منفی صنعتی‌سازی وجود ندارد؛ هرچند در برخی مطالعات در کنار پیامدهای مثبت به برخی پیامدهای منفی نیز اشاره شده است. دلیل دیگر آن است که در مطالعات داخل کشور از رویکردهای کمی و شاخص‌های از پیش تعیین شده و عینی استفاده شده و امکان بررسی همه ابعاد، به‌ویژه آثار منفی آن در قالب پرسش‌نامه، وجود نداشته است. اما نظریات و مطالعات مختلف نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی، به‌خصوص اگر از نوع شهرک‌های صنعتی باشد، می‌تواند آثار منفی و جبران‌ناپذیری بر فضای روستا بگذارد. بنابراین، برای شناخت و فهم آثار منفی این پدیده از رویکرد کیفی و بررسی روستای خیرآباد استان مرکزی به‌عنوان مورد مطالعاتی روستای دارای شهرک صنعتی استفاده شده است. در میان رویکردهای کیفی نیز، به دلیل آنکه هدف کشف و ایجاد درکی عمیق‌تر از پدیده صنعتی‌سازی است که کنشگران فعال آن را تجربه کرده‌اند، از روش پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از روش پدیدارشناسی نشان داده است که آثار منفی در قالب مضمون‌های کاهش امنیت اجتماعی، گسترش ناموزون چشم‌اندازهای شهری در روستا، تغییر و تضعیف فرهنگ بومی روستا، رشد نامتوازن منطقه‌ای جمعیت، افزایش آلودگی محیط زیست، ناپایداری اقتصادی روستا، فقدان ظرفیت اقتصادی برای زنان، و از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری روستا برای مردم بومی روستا تجربه شده است که کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان بوده است.

کلیدواژه‌ها: آثار منفی، پدیدارشناسی، روستای خیرآباد، شهرک صنعتی، مردم بومی.

مقدمه

بر پایه ادبیات توسعه روستایی، انتظار بر آن است که صنعتی‌سازی روستا تغییراتی مثبت در اشتغال، درآمد، وضعیت بهداشت و سلامت، آموزش و پرورش، و دیگر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی زندگی مردم مناطق روستایی همراه داشته باشد. اما به نظر می‌رسد صنعتی‌سازی اگر از نوع ناحیه‌های صنعتی باشد، می‌تواند آثار مخرب اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، و کالبدی بر زندگی مردم جوامع محلی نیز برجای بگذارد. در این باره برخی پژوهش‌ها، که به بررسی آثار ناحیه‌های صنعتی بر توسعه روستایی پرداخته‌اند، در ارزیابی‌های خود در کنار آثار مثبت به صورت پراکنده به برخی از آثار منفی ناحیه‌های صنعتی بر توسعه روستایی اشاره کرده‌اند. برای نمونه، سینگال و کاپور^۱ بر این باورند که به خاطر استقرار و تمرکز صنایع در یک ناحیه کوچک آسیب‌های خطرناک و زیان‌باری بر محیط زیست وارد می‌شود (۲۰۰۲: ۱۹). همچنین، این نوع صنعتی‌سازی می‌تواند تخریب بازارهای محلی، تغییر الگوی مصرف خانوارها، آلودگی هوا و آب‌های زیرزمینی، و آلودگی صوتی را همراه داشته باشد و حتی بر تحصیل جوانان نیز آثار سوء بگذارد (سرور امینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۸). در کنار این‌ها، کوچیلو^۲ بر آن است که اغلب نیروی کار جذب‌شده در ناحیه‌های صنعتی روستایی غیربومی‌اند و صنعتی‌سازی بر مهاجرت روستاییان به شهرها اثر بازدارنده چندانی ندارد (۲۰۰۵: ۷۵). همچنین، ناحیه‌های صنعتی روستایی آثار اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی و کالبدی مخربی به بار می‌آورند، همچون کاهش گردشگری، افت بخش کشاورزی، کاهش روحیه دوستی و صمیمیت بین مردم، مصرف‌گرا شدن مردم روستا، افزایش آلودگی هوا، افزایش آلودگی ناشی از دفع زباله‌های صنعتی، از بین رفتن منابع طبیعی روستا، افزایش ساخت‌وساز در حاشیه روستا، و نیز ساخت خانه‌های دوم (نیکویی‌فرد و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۲۰).

این در حالی است که وجه غالب توسعه روستایی کشور ما نیز در سال‌های پس از انقلاب با احداث ناحیه‌های صنعتی روستایی همراه بوده که این روند موجب تغییرات عمده‌ای در مناطق روستایی شده است (قدیری و قراگوزلو، ۱۳۹۰: ۱). بنابراین، آثار منفی یادشده می‌تواند شامل حال بسیاری از روستاهایی است که در حاشیه شهرک‌ها و ناحیه‌های صنعتی‌اند. روش معمول برای فهم اینکه ناحیه‌های صنعتی چه آثاری بر مردم جوامع روستایی می‌گذارد این است که همانند مطالعات تاکسونی و بر پایه نظریه‌های متداول توسعه روستایی این امر ارزیابی شود، زیرا صنعتی‌سازی به منزله رهیافتی به توسعه معرفی شده است و از همین منظر نیز آثار آن بر توسعه ارزیابی می‌شود. اما ممکن است در مواردی این نوع صنعتی‌سازی ضد توسعه عمل کند و آثاری منفی در جوامع محلی روستایی بگذارد که به صورت مستقیم در ادبیات توسعه به آن پرداخته نشده است. هرچند در مطالعات ارزیابی پیامدهای صنعتی‌سازی بر توسعه روستایی به برخی آثار منفی آن اشاره شده است. بنابراین، در مبانی نظری توسعه روستایی این آثار منفی چندان لحاظ نشده است.

بر پایه برخی نظریه‌ها و پژوهش‌ها، ناحیه‌های صنعتی روستایی می‌توانند پیامدهای منفی زیست‌محیطی، کالبدی، توزیع نامتوازن منطقه‌ای، و تبدیل شدن روستا به شهر را همراه داشته باشند. افزون بر این، نظریه جامعی درباره این پیامدهای منفی وجود ندارد و شاخص‌هایی نیز که برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند به نظر می‌آید بیان‌کننده واقعیت موجود نباشد. بنابراین، مسئله این است که پیامدهای منفی این نوع صنعتی‌سازی بر مردم بومی روستاهای صنعتی‌شده چیست؟ این مسئله از این بابت اهمیت دارد که به نظر می‌رسد در کشور ما سیاست‌های مبتنی بر صنعتی‌سازی روستایی از نوع احداث ناحیه‌هایی که برنامه‌ریزان در نظر داشته و دارند به خاطر پیامدهای منفی که همراه داشته‌اند در تثبیت جمعیت سکونتگاه‌های روستایی با توفیق چندانی همراه نبوده‌اند و شناسایی این پیامدها می‌تواند در اتخاذ سیاست‌های بعدی و

تعیین مسیر صنعتی‌سازی مورد توجه قرار گیرد. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که با بررسی مطالعات پیشین مشخص شده است تاکنون پژوهشگران با دانش پیشینی نسبت به آثار منفی ناحیه‌های صنعتی و با ارزیابی این آثار بر توسعه روستایی آن را بررسی کرده‌اند و نه بر پایه تجربه زیسته افراد محلی که به صورت مستقیم با این پدیده درگیرند. این مطالعات با نظریه‌های ازپیش موجود و رویکردهای کمی آثار چشم‌گیر این پدیده را در روستا مثبت ارزیابی می‌کنند؛ هرچند برخی به تأثیر منفی آن البته به صورت محدود اشاره کرده‌اند. بنابراین، شناخت و واکاوی این تجربه می‌تواند برای مدل‌سازی‌های بعدی و توجه بیشتر به این موضوع ضرورت پیدا کند.

روستای خیرآباد، واقع در شهرستان اراک استان مرکزی، یکی از نمونه روستاهایی است که در سال ۱۳۶۹ شهرک صنعتی در حاشیه آن احداث شده و تغییرات زیادی در مردم بومی روستا به وجود آورده است. این منطقه صنعتی، که به شهرک صنعتی خیرآباد معروف است، اغلب محصولاتش صنایع فلزی و شیمیایی‌اند و ۲۸۲ واحد در آن به بهره‌برداری رسیده و ۳۵۱۴ نفر اشتغال مستقیم دارند (سازمان صنایع و شرکت‌های کوچک ایران، ۱۳۹۸) که گرچه باعث ایجاد اشتغال و درآمد شده است، ارتباطی با کسب و کارهای روستایی و محیط روستا ندارد و به نظر می‌رسد آثار منفی فراوانی در مردم محلی روستا گذاشته باشد.

بدین منظور، پژوهش حاضر به دنبال آن است که تجربه شهرک صنعتی روستای خیرآباد استان مرکزی را همچون یک نمونه بررسی کند و آثار منفی صنعتی‌سازی را از دید مردم بومی روستا جویا شود. در نتیجه، پس از بررسی ادبیات موضوع و مطالعات انجام‌شده در این حوزه، به علت نبود نظریه منسجم در این باره، تلاش شده است با روش کیفی و مصاحبه عمیق با مردم بومی و با این پیش فرض که پژوهشگر شناخت کافی از این موضوع ندارد، آثار صنعتی‌سازی بر مردم بومی روستای صنعتی خیرآباد بررسی شود.

مبانی نظری

در ادبیات توسعه، صنعتی‌سازی یکی از شیوه‌های رسیدن به توسعه روستایی است که مورد توجه برنامه‌ریزان کشور ما نیز بوده و تاکنون بارها از این راهکار بهره گرفته شده است. صنعتی‌سازی می‌تواند آثار مثبت اقتصادی فراوانی همراه داشته باشد. مثلاً، فصل و سوندرمن^۱ بر این باورند که فرایند صنعتی‌شدن در هر جنبه‌ای از وضعیت زندگی انسان تأثیر بسیار زیادی دارد و باعث بهبود تولید و مصرف می‌شود (۲۰۰۷: ۴). همچنین، هنگ^۲ ایجاد بازار کالاهای مصرفی، رقابت اقتصادی، رشد فناوری، نوآوری و افزایش بهره‌وری را از دیگر مزیت‌های ورود صنعت به روستاها می‌داند (۲۰۱۱: ۱۵۹۸). برخی پژوهشگران، علاوه بر تغییرات اقتصادی، به تغییرات اجتماعی ناشی از صنعتی‌سازی روستا نیز تأکید کرده‌اند، اما تغییرات اقتصادی محور اصلی است؛ از جمله اینکه این پدیده، با تغییر فضای اقتصادی روستا، ارتقای آگاهی، افزایش تولیدات، و به‌کارگیری نیروی انسانی را همراه دارد (بچارا و ماگرینی، ۲۰۰۹: ۶۵۴). به‌طور کلی، صنعتی‌سازی روستا فرایندی است که ابزارهای مناسب برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد و در واقع رهیافتی اقتصادی است که با اشتغال‌زایی و افزایش درآمد و توزیع متعادل‌تر درآمد به بهبود سطح زندگی روستاییان منجر می‌شود و زمینه‌ی نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد (لی، ۲۰۰۷: ۸۶). دسته دیگری از پژوهشگران، همچون رینکو و کومار^۳، بر این نظرند که صنعت موتور پیش‌برنده اقتصاد است و این موتور نیروی خود را از جامعه می‌گیرد؛ بدین گونه که جامعه بستر و زمینه توسعه است و صنعتی‌سازی می‌تواند باعث این تغییر شود (۲۰۰۱: ۱۶۱). به بیانی دیگر، اگر صنعتی‌سازی

1. Fesel and Söndermann

2. Hong

3. Rinku and Kumar

روستا متناسب با اجتماع محلی، فرهنگ، و محیط زیست باشد، می‌تواند به تغییرات مثبتی منجر شود. این اتفاق در تناسب با دیگر بخش‌های منطقه از جمله کشاورزی می‌تواند باعث افزایش ارزش افزوده، پس‌انداز و درآمد، سرمایه‌گذاری، و توسعه روستا شود (سرور امینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۸). شماری دیگر از پژوهشگران افزون بر آثار مثبت، بر آثار منفی نیز تأکید کرده‌اند؛ به‌خصوص اگر صنعتی‌سازی از گونه‌های ناحیه‌های صنعتی باشد، به خاطر استقرار و تمرکز صنایع در یک ناحیه کوچک آثار خطرناک و زیان‌باری بر محیط زیست به‌جای می‌گذارد (سینگال و کاپور، ۲۰۰۲: ۱۹). همچنین، ناحیه‌های صنعتی روستایی ایجادکننده آثار اقتصادی و اجتماعی، محیط زیستی، و کالبدی مخربی همچون کاهش گردشگری، کاهش میزان توجه به بخش کشاورزی، کاهش روحیه دوستی و صمیمیت بین مردم، مصرف‌گراشدن مردم روستا، افزایش آلودگی هوا، افزایش آلودگی ناشی از دفع زباله‌های صنعتی، از بین رفتن منابع طبیعی روستا، ایجاد ساخت‌وساز در حاشیه روستا، و افزایش ساخت‌خانه‌های دوم هستند (نیکویی فرد و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۲۰).

احداث ناحیه‌های صنعتی روستایی راهبرد غالب صنعتی‌سازی روستایی در کشور ما بوده است (قدیری و قراگوزلو، ۱۳۹۰: ۱)؛ اما این نوع صنعتی‌شدن روستا با راهبردهای ایجاد نقاط کانونی در ناحیه‌های روستایی پیوند خورده است (ونگ، ۲۰۰۱: ۱۶) و هدف این ناحیه‌ها ایجاد قطب‌های صنعتی در مراکز منتخب روستایی است تا این مراکز بتوانند ضمن بهره‌برداری از منابع محلی، امکان مناسبی برای تحت پوشش قراردادن مراکز روستایی پیرامون خود باشند (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۵). رویکرد ناحیه‌های صنعتی روستایی ابتدا به ساکن ممکن است نه‌تنها کارایی مناسبی نداشته باشد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۴۱، نیکویی فرد و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۲)، بلکه با زنده‌کردن نظریه قطب رشد ضد توسعه متوازن و پایدار مناطق روستایی عمل کند. در نظریه قطب رشد، دولت با برانگیختن رشد اقتصادی بر پایه سرمایه‌گذاری کلان در صنایع تأکید دارد. این رشد می‌تواند به بیرون از مراکز رشد گسترش یابد و باعث توسعه اجتماعی و اقتصادی شود. اما عدم گسترش فضایی رشد به دیگر فضاها و عدم تبدیل رشد به توسعه واقعی و همچنین عدم اشتغال‌زایی صنایع پیشاهنگ سرمایه بر ارتباط ضعیف این صنایع با صنایع و خدمات محلی، انحصاری‌بودن دانش مربوط به آن، و خروج ارزش افزوده به خارج اشاره دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۳). طبیعی است نتیجه چنین رویکرد و برنامه‌های برآمده از آن رشد نامتوازن و بی‌عدالتی فضایی و نیز ازهم‌گسیختگی پیوندهای استوار اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی خواهد بود. همچنین، نتیجه منطقی آن تبدیل مناطق روستایی به مکانی برای فعالیت اقتصادی شهرنشینان خواهد بود، زیرا به روال معمول در کشور ما بیشتر بومیان روستا به علت عدم مهارت و دانش و فقدان ابتکار و بازاریابی توان راه‌اندازی کسب و کار صنعتی و بدون ارتباط با فضای روستا را نخواهند داشت و در بهترین حالت روستاییان نیروی کار غیرماهر (کارگر) برای فعالیت‌های اقتصادی دیگران خواهند شد. به علت اختصاص دادن مناطق روستایی به مکانی برای فعالیت اقتصادی افراد غیربومی و معرفی نامناسب گروه‌های هدف، از دیگر نتایج این هدف‌گذاری تبدیل شدن مناطق روستایی به شهر است و نه مراقبت از نقش و جایگاه روستا در حفاظت از فرهنگ بومی، محیط زیست، بافت سنتی، محصولات متنوع، و تولیدشده با دانش بومی و ...

با بررسی مطالعات پیشین، مشخص می‌شود که در برخی مطالعات بر آثار مثبت صنعتی‌سازی تمرکز شده است. در این خصوص، میرزاعلی و عسگری (۱۳۹۴) ایجاد اشتغال، افزایش انگیزش ماندگاری در روستا، گسترش سرمایه‌گذاران خارجی، افزایش جمعیت جوانان در روستا و گسترش امکانات رفاهی، خدماتی و اجتماعی و بهبود مسکن و بهبود راه‌ها را از نتایج شهرک صنعتی فراهان می‌دانند. به نظر پورطاهری و همکاران (۱۳۹۲)، ایجاد و گسترش شهرک‌های صنعتی می‌تواند از طریق ایجاد تنوع و افزایش اشتغال و درآمد، افزایش ارزش افزوده فعالیت‌های کشاورزی، و گسترش فرهنگ صنعتی نقش مؤثری در توازن و تعادل شهر و روستا و توسعه ناحیه‌های روستایی داشته باشد. حمزه‌ئی و همکاران

(۱۳۹۳) به بیان تأثیرات اجتماعی و فرهنگی احداث شهرک صنعتی خیام نیشابور بر روستاهای پیرامونی پرداخته‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که در بیشتر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، به‌خصوص ارتباط با رسانه‌ها، بهره‌مندی از خدمات بیمه‌های شهرک صنعتی خیام توانسته باعث تغییرات مثبت در وضعیت کارگران روستاییان شود که در نهایت این امر می‌تواند گامی در راستای نفوذ فرهنگ صنعتی به ناحیه‌های روستایی و تحول فرهنگی تلقی شود. کومار^۱ (۲۰۰۵) در تحقیقات خود در چین، ضمن تأکید بر نقش صنایع در توسعه روستایی، بر آن است که کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن برای دستیابی به توسعه پایدار روستاها کافی نیست. وی بیان می‌کند که گسترش صنایع در روستاهای چین نقش مؤثری در ریشه‌کن کردن فقر داشته و موجب بالارفتن درآمد روستاییان و کاهش مهاجرت آن‌ها شده است. کیشور^۲ (۲۰۰۴) در مطالعه خود با نام «فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی در منطقه ویژه اوريسا» در ایالت اوریسای هند نتیجه گرفت که بهبود در زیرساخت‌های یک منطقه می‌تواند باعث تقویت برتری‌های مکانی شود و نیز موجب می‌شود که مکان صنایع در نقاطی واقع شوند که به لحاظ زیرساختی دارای کارایی بهتری هستند. همچنین، نتایج مطالعه نشان داد که عواملی نظیر وجود مواد اولیه، وجود بازار، شرایط سرمایه‌گذاری، تخمین تقاضا و تسهیلات مالی و اعتباری پرداخت در ایجاد و توسعه صنایع و فعالیت‌های کشاورزی تأثیرگذارند. رینکو داس و کومار داس^۳ (۲۰۰۱) با بررسی الگوی صنعتی‌شدن در شمال شرق هند بر آن‌اند که گسترش صنایع توانسته است فقر روستایی را کاهش دهد و به معیشت پایدار روستاییان منجر شود. همچنین، بر آن‌اند که کاهش مهاجرت روستاییان و افزایش رفاه از دیگر پیامدهای صنایع است. اگر صنایع کوچک و صنایع خانگی در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی منطقه باشد، می‌تواند نقش مؤثری در توسعه آن‌ها ایفا کند.

اما برخی نیز در کنار آثار مثبت سعی کرده‌اند آثار منفی را ارزیابی کنند. نیکویی‌فرد و رحمانی (۱۳۹۷) با ارزیابی شهرک صنعتی خیرآباد نتیجه گرفته‌اند که علاوه بر آثار مثبت که بعضاً اقتصادی و اجتماعی بوده است، آثار منفی بسیاری از جمله آثار کالبدی و زیست‌محیطی نیز حاصل این صنعتی‌سازی بوده است. سرور امینی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی آثار مثبت و منفی شهرک صنعتی اشتهارد بر روستاهای پیرامون این شهرک به این نتیجه رسیدند که آثار این صنعتی‌سازی بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کشاورزی، و زیست‌محیطی هم مثبت و هم منفی بوده و مقدار این آثار مثبت و منفی تقریباً برابر بوده است. وانگ^۴ و همکاران (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با نام «صنایع روستایی و آلودگی آب در چین»، در مطالعات خود بر آثار زیست‌محیطی صنایع روستایی تأکید کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که آلودگی محیط زیستی، به‌ویژه آلودگی منابع آب، از پیامدهای منفی استقرار و توسعه صنایع کوچک در ناحیه‌های روستایی کشور چین محسوب می‌شود.

نکته درخور توجه در همه این مطالعات آن است که پژوهشگران با به‌کارگیری نظریه‌های ازپیش‌موجود و با روش‌های کمی و پرسش‌نامه‌ای به ارزیابی آثار صنعتی‌سازی پرداخته و به علت آنکه شناخت کافی از این آسیب‌ها بر جوامع محلی نداشته‌اند نتوانسته‌اند همه ابعاد این آثار را پوشش دهند. در پژوهش حاضر تلاش شده است با روشی متفاوت این موضوع بررسی شود؛ بدین گونه که پژوهشگران فرض کرده‌اند که شناخت کافی از این آسیب‌ها ندارند و بنابراین نیاز است به شناخت و بررسی آن‌ها بپردازند و در نتیجه ناگزیر به استفاده از روش‌های کیفی شده‌اند.

1. Kumar
2. Kishour
3. Rinku Das and Ashim Kumar Das
4. Wang

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

مطالعات ارزیابی آثار ناحیه‌های صنعتی بر توسعه روستایی نشان می‌دهد، افزون بر آثار مثبت، آثار منفی نیز همراه صنعتی‌سازی تحمیل می‌شود (سینگال و کاپور، ۲۰۰۲: ۱۹؛ سرور امینی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۸؛ نیکویی فرد و رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۹-۱۲۰). اما در این ارزیابی‌ها صرفاً آثار صنعتی‌سازی بر توسعه روستایی در نظر گرفته شده و به آثار منفی آن بر مردم بومی روستا به صورت صریح و همه‌جانبه پرداخته نشده است. یکی از دلایل این امر آن است که نظریه جامعیه درباره آسیب‌های صنعتی‌سازی وجود ندارد؛ هرچند در برخی مطالعات در کنار پیامدهای مثبت به برخی پیامدهای منفی نیز اشاره شده است. دلیل دیگر آن است که در مطالعات داخل کشور از رویکردهای کمی، شاخص‌های ازپیش‌تعیین‌شده و عینی استفاده شده است و امکان بررسی همه ابعاد، به‌ویژه آثار منفی آن در قالب پرسش‌نامه، وجود نداشته است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است پیامدهای منفی صنعتی‌سازی بدون شاخص‌های پیش‌فرض شناسایی شود. اما چون شناخت از موضوع محدود است و همچنین بررسی آن با نظریه‌های موجود تبیین‌شدنی نیست، نیاز است از روش‌های تحقیق کیفی استفاده شود. در روش‌های کیفی بحث بر سر این نیست که چگونه می‌توان داده‌ها را کمی کرد، بلکه بحث این است که چگونه می‌توان از طریق داده‌ها به دیدگاه‌های کنشگر (مردم بومی روستا) از دنیای اجتماعی راه پیدا کرد و رابطه بین توصیفات و ادراک کنشگران از کنش (پدیده صنعتی‌سازی) را دریافت (نیومن، ۲۰۱۴: ۳-۴).

منطق مطالعات پیشین داخل کشور در حوزه آثار صنعتی‌سازی بر توسعه روستا بر اساس رویکردهای اثبات‌گرایی^۱ بوده است و این رویکردها، همچون رویکرد علوم طبیعی، مواجهه و فهم یک پدیده را صرفاً مبتنی بر تحلیل منطقی تجربه حسی و مفاهیم علمی می‌دانند. یعنی بررسی پدیده‌ای عینی به صورت تجربی و خالی از ارزش و سپس کشف قانون حاکم بر آن با مدل‌های علی جهان‌شمول. در رویکرد اثبات‌گرایی، به منظور تبیین و پیش‌بینی، نیاز به سنجش‌های عینی و تعریف‌های مشخص از پدیده مورد بررسی وجود دارد و پژوهشگر پدیده را در قالب تعریف و فرضیه خویش محدود می‌کند. اما رسالت رویکرد کیفی پدیدارشناسی جدای از زندگی و تجربه‌های زیسته^۲ افراد تعریف نمی‌شود، بلکه وظیفه بنیادین علم و به خصوص علوم انسانی را بازگشت مجدد به عالم زندگی انسان‌ها و فهم شیوه‌ای که آن‌ها جهان را تجربه می‌کنند می‌داند. تجربه زیسته افراد همیشه آمیخته به عواطف، احساسات، و نگرش‌های افراد است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت (کاظمی و دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۸).

با بهره‌گیری از راهبرد پژوهش پدیدارشناختی، می‌توان به شناسایی، کشف، و درکی عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی دست یافت که کنشگران فعال آن را تجربه کرده‌اند. همچنین، بر مبنای پژوهش‌های پدیدارشناختی، می‌توان ایده‌هایی را شناسایی کرد که برای انجام‌دادن تحقیقات کمی به نمونه‌های بزرگ و با رویکرد آزمون نظریه از آن‌ها استفاده کرد (اعرابی و بودلایی، ۱۳۹۰: ۵۵).

در پژوهش حاضر، یعنی آثار منفی صنعتی‌سازی بر مردم بومی روستا، داده‌های پیشینی در موضوع مطالعه وجود دارد، اما چون پژوهشگر در پی آن است که این پدیده چگونه توسط یک گروه خاص یعنی مردم بومی تجربه می‌شود از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده می‌شود. پدیدارشناسی تفسیری قصد ندارد ماهیت کلی یک پدیده را بیان کند و برای آن نظریه جدیدی ابداع نماید، بلکه در پی درک مفهوم یک پدیده در تجربه‌های افراد یک بافت یا یک بستر خاص است (کاظمی و دانایی فرد، ۱۳۹۰: ۱۲۸ و ۱۳۴). شالوده و ساختار اصلی رویکرد پدیدارشناسی تفسیری بر این استوار است که

1. Positivism
2. Lived Experiences

پژوهشگر و شرکت‌کنندگان در مصاحبه همواره به تفسیر پدیده از دید خودشان می‌پردازند و نمی‌توان این نوع پیش‌فرض را از آن‌ها جدا کرد. در نتیجه، این رویکرد بر مبنای با هم ساختن معنا و مفهوم پدیده توسط پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان است (آجایی و هیگزی، ۲۰۰۷: ۶۱۶).

بنابراین، با توجه به ماهیتی که روش تحقیق پدیدارشناسی دارد، یعنی شناخت تجربه‌های زیسته یا تجربه‌های دست‌اول افراد خاص (در اینجا مردم بومی روستا)، و همچنین مسئله پژوهش حاضر که فهم اثرهای منفی شهرک صنعتی نه از نگاه پژوهشگر بلکه از نگاه خود مردم بومی درگیر با پدیده است، روش پدیدارشناسی می‌تواند این مسئله را با دریافت تجربه‌های دست‌اول از طریق مصاحبه با بومیان روستا آشکار کند.

روش گردآوری اطلاعات

جامعه آماری این پژوهش شامل همه افراد بومی روستای خیرآباد استان مرکزی است که اولاً در خود روستا زندگی می‌کنند و حداقل در ده سال اخیر نیز ساکن همین روستا بوده‌اند. سپس، با استفاده از نمونه‌گیری متناسب با هدف این پژوهش تعدادی از افراد جامعه آماری برای مصاحبه انتخاب شدند. در این مطالعه از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. شرکت‌کنندگان در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش پدیدارشناسانه- که صنعتی‌سازی از دید بومیان روستا چگونه تجربه شده است- در مصاحبه‌ای عمیق تجربه شخصی خود را از پدیده صنعتی‌سازی روستای خیرآباد به تفصیل بیان می‌کردند. در روند این مصاحبه‌ها، نخست پنج مصاحبه به صورت نمونه اولیه انجام گرفت و به واسطه آن‌ها با میدان مورد مطالعه و زوایای مختلف موضوع آشنایی اجمالی و اولیه صورت گرفت. در ادامه برخی پرسش‌ها تصحیح و برخی نیز حذف شد، زیرا مشخص شد کارایی لازم را ندارند. سپس، با استفاده از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۱، که در آن افراد با زمینه‌های مختلف شغلی، جنسیتی، سنی، و تحصیلی برای مصاحبه انتخاب شده‌اند (جاللی، ۱۳۹۱: ۳۱۵-۳۱۶) و با رضایت کامل شرکت‌کنندگان به مصاحبه‌های دیگری پرداخته شد و روند مصاحبه درباره این پدیده تا مرحله اشباع^۲ یعنی تا جایی که احساس شد مطالب مصاحبه به حالت تکرار رسیده است ادامه یافت. سرانجام، ۱۶ مصاحبه صورت پذیرفت؛ اطلاعات افراد مصاحبه‌شونده به شرح صورت جدول ۱ است.

جدول ۱. فهرست افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های پژوهش

شماره مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	شغل	تحصیلات
۱	۳۱	مرد	کارمند	فوق لیسانس
۲	۴۸	مرد	دامدار	دیپلم
۳	۴۱	مرد	معلم	فوق دیپلم
۴	۶۱	مرد	کشاورز	ابتدایی
۵	۲۶	مرد	کارگر صنعتی	دیپلم
۶	۱۷	مرد	کارگر صنعتی	سیکل
۷	۵۲	مرد	کارگر صنعتی	دیپلم
۸	۵۵	زن	خانه‌دار	بی‌سواد
۹	۲۵	زن	دانشجو	لیسانس
۱۰	۲۹	زن	کارمند	لیسانس
۱۱	۳۸	زن	خانه‌دار	دیپلم

1. Maximum Variation
2. Saturation

ادامه جدول ۱. فهرست افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌های پژوهش

شماره مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	شغل	تحصیلات
۱۲	۱۹	زن	خانه‌دار	دیپلم
۱۳	۳۳	زن	معلم	لیسانس
۱۴	۴۴	زن	خانه‌دار	سیکل
۱۵	۴۹	زن	خانه‌دار	بی‌سواد
۱۶	۶۸	زن	خانه‌دار	بی‌سواد

روش تحلیل داده‌ها

پس از مصاحبه، در مرحله اول نخست با استفاده از کدگذاری باز^۱ اظهارات عمده و مهم مشارکت‌کنندگان- که نشان‌دهنده افق‌های مختلف به یک پدیده است- مشخص و کدگذاری شد. بدین معنی که از میان متن مصاحبه‌ها، اظهارات مهم برگزیده شد و سپس به این افق‌ها (اظهارات و عبارت مهم) اهمیت و ارزش یکسانی داده شد و فهرستی کدگذاری شده از افق‌های غیرتکراری و غیرهم‌پوشان به دست آمد. سپس، با بهره‌گیری از افق‌ها یا اظهارات عمده مرحله پیش، به کدگذاری محوری^۲ اقدام شد. بدین معنا که افق‌ها در واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تری موسوم به مضمون‌های اساسی دسته‌بندی شدند. این مضمون‌ها نشان‌دهنده ابعاد مختلف پدیده‌اند و ارائه توصیفات متنی را، که مرحله سوم است، تسهیل می‌کنند. در این مرحله با استفاده از مضامین تولیدشده، نخست با استفاده از کدگذاری گزینشی^۳ برای هر یک از مشارکت‌کنندگان به توصیف آنچه تجربه شده است پرداخته شد. بدین منظور، به متن اصلی مصاحبه‌ها رجوع شد و با مشخص کردن ناسازگاری‌ها یا عدم موافقت‌ها با تفاسیر انجام‌گرفته به نوشتن یک تحلیل ترکیبی (ترکیبی از نظرات مرحله پیش و بازخوردهای این مرحله) اقدام شد. سپس، بین مطالعات قبلی و مضمون‌های شناسایی شده ارتباط برقرار شد و درنهایت، با یکپارچه‌سازی، گزارش نهایی از یافته‌ها ارائه شده است (کاظمی و دانایی‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۵۳).

بحث و یافته‌های تحقیق

جدول ۲. فهرست مضامین استخراج شده

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
۱. کاهش امنیت اجتماعی	ترس از ترک کردن خانه
	ترس از تنها گذاشتن بچه‌ها در کوچه و خیابان
	عدم اعتماد به غریبه‌ها
	سلب آرامش زنان
	افزایش درگیری‌های خیابانی
۲. گسترش ناموزون چشم‌اندازهای شهری در روستا	شایع شدن الفاظ رکیک و ناهنجار
	تغییر الگوی ساخت‌وساز روستایی به سبک شهری
	تغییر شیوه زندگی
	روستا مکانی برای خواب و استراحت کارگران
	ناآشنا بودن افراد ساکن روستا

1. Open coding
2. Axial coding
3. Selective coding

ادامه جدول ۲. فهرست مضامین استخراج شده

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
۳. تغییر و تضعیف فرهنگ بومی روستا	از بین رفتن صمیمیت افراد
	از بین رفتن همستگی بین افراد و تقویت روحیه فردگرایی
	از بین رفتن مهمان‌نوازی
	منفعت‌طلبی افراد
	کم‌شدن دوستی بین افراد
۴. رشد نامتوازن منطقه‌ای جمعیت	کاهش سرزندگی و انگیزه افراد شاغل در شهرک صنعتی
	از بین رفتن پوشش و لباس محلی
۵. افزایش آلودگی محیط زیست	مهاجرت افراد روستاها و شهرهای اطراف به این روستا
	افزایش زباله‌های کارگاهی در شهرک صنعتی
۶. ناپایداری اقتصادی روستا	افزایش آلودگی صوتی
	افزایش نابرابری بین خانوارها
	مصرف‌گرا شدن افراد
	افزایش هزینه‌های زندگی
	انتقال درآمد و سرمایه‌های به‌دست‌آمده به شهرها
۷. فقدان ظرفیت اقتصادی برای زنان	بی‌توجهی به کشاورزی روستا و جانشینی نیروی کار کشاورزی با صنعت
	مهاجرت افراد بومی به بیرون از روستا
	نبود شغل برای زنان
۸. از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری روستا	مردانه‌بودن محیط شهرک صنعتی
	از بین رفتن چشم‌انداز طبیعی و بکر روستا
	از بین رفتن بافت سنتی روستا
	از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری به خاطر صنعتی‌شدن

منبع: یافته‌های تحقیق

مضمون ۱: کاهش امنیت اجتماعی

امنیت مصون ماندن از تعرض دیگران، نداشتن هراس نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌هاست و برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن مردم ایجاد شود که فضای لازم برای زندگی بدون تهدید و بدون دغدغه وجود دارد (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۲).

بر اثر احداث شهرک صنعتی در این روستا و با ورود نیروی کار غیربومی و افزایش تردد به محیط روستا، امنیت پیشین روستا دست‌خوش دگرگونی شده است. برای مثال، آقای شماره ۳ می‌گوید: «از وقتی کارگاه‌ها در این روستا احداث شدند به خاطر بیشتر شدن ترس مردم بومی از خطرهای احتمالی و همین‌طور زیاد شدن جرم و جنایت‌ها، مثل دزدی و اعتیاد، پای پلیس هم به این روستا باز شده است.»

ترس از ترک کردن خانه

با بالارفتن آمار جرم در محیط روستا، افراد بیشتر مظنون و محتاط‌تر از قبل می‌شوند. مثلاً خانم شماره ۱۰ می‌گوید: «همیشه برای بیرون رفتن از خانه باید همه درها رو قفل کرد. آدم می‌ترسه خونه‌اش رو ترک کنه؛ به‌خصوص اگه بخوایم بریم مسافرت، باید به یکی از آشناها بگیم تا شباً بیاد خونه ما بخوابه.»

ترس از تنها گذاشتن بچه‌ها در کوچه و خیابان

گرچه ممکن است آمار موثقی از جرایم شهری در این روستا وجود نداشته باشد، واهمه اتفاق افتادن این جرایم نزد افراد بومی وجود دارد. مثلاً، خانم شماره ۱۱ می‌گوید: «من که جرئت نمی‌کنم پسر رو، که نه‌سالشه، تنهایی بفرستم بره مدرسه. از کجا معلوم که یکی از این غریبه‌ها نزدنش.» همین‌طور خانم شماره ۱۳ می‌گوید: «من همیشه خودم باید بچه‌ام رو برسونم تا مدرسه و سر ساعت هم باید برم بیارمش، چون معلوم نیست اگه خودش تنهایی بیاد، چه اتفاقی براش بیفته. تا بزرگ‌تر بشه، مجبورم همین کار رو بکنم.»

عدم اعتماد به غریبه‌ها

فضای آرام روستا قبل از ورود کارخانه‌ها با ورود نیروی کار غیربومی به شدت تغییر کرده است و مثل تجربه فضای شهری، که افراد به‌سختی همدیگر را می‌شناسند، دیگر افراد به هم اطمینان ندارند و نسبت به هم مشکوک‌اند؛ به‌خصوص افراد بومی نسبت به افراد غیربومی مظنون‌اند. مثلاً، خانم شماره ۱۲ می‌گوید: «آدم‌های زیادی می‌آن توی روستا و می‌رن و آدم هیچ‌کدومشون رو نمی‌شناسه. از کجا معلوم که چی‌کاره باشن.»

صلب آرامش زنان

فضای جدید فارق از آثار مثبت و منفی که بر ساختار روستا داشته است زنان را بیش از پیش محدود کرده است. در محیط روستایی که هنجارهای قوی حاکم است و افراد با هم نسبت فامیلی دارند زنان نیز احساس آرامش بیشتری دارند، چون کمتر در معرض نگاه یا سخنان اغلب جنسی‌اند. مثلاً، خانم شماره ۱۴ می‌گوید: «توی خیابون که راه می‌ری و یه مرد غریبه رو می‌بینی مجبوری باهاش چشم توی چشم نشی یا مسیرت رو کج کنی. من خودم تا حالا چند بار احساس کرده‌ام مردها دارن نگاهم می‌کنن. یه بار هم یه مرد غریبه توی مغازه همین‌جور زل زده بود بهم. از ترس قلبم داشت تند تند می‌زد.»

افزایش درگیری‌های خیابانی

درگیری خیابانی اصولاً یک پدیده شهری است، اما در این روستا به‌واسطه ورود افراد غریبه و با فرهنگ‌های متفاوت درگیری‌های خیابانی نیز گزارش شده است. گرچه در محیط روستایی نیز افراد به خاطر مسائل مختلف با هم درگیر می‌شوند، نوع درگیری‌های خیابانی متفاوت است و باعث به‌هم‌زدن آرامش محیط روستا می‌شود. در این خصوص آقای شماره ۳ می‌گوید: «گه‌گاه شاهد دعواهای خیابانی هستیم که مثلاً بر هم چاقو می‌کشند.»

شایع شدن جملات رکیک و ناهنجار

آقای شماره ۱ می‌گوید: «استفاده از جملات آلوده به فحش و الفاظ رکیک این روزها شایع شده و می‌شه از زبون آدم‌های مختلف شنید؛ به‌خصوص اینکه در محیط کارگاه‌ها استفاده می‌شه و به‌مرور بین همه رایج می‌شه. جملات بی‌ادبانه دقیقاً از راه همین کارگاه‌ها وارد شده.»

تقابل فرهنگی

محیط کوچک روستا با فرهنگ، زبان، و اجتماع واحد ظرفیت تقابل با فرهنگ‌های جدید را ندارد و به‌راحتی شکننده است. آقای شماره ۴ می‌گوید: «روستای ما یه روستای مذهبی، اما از وقتی این کارگرا اومده‌ان اینجا، مذهبمون هم لکه‌دار شده. خدا می‌دونه چقدر از این آدم‌ها بی‌دین و ایمون باشن.»

مضمون ۲: گسترش ناموزون چشم اندازهای شهری در روستا

ناحیه‌های صنعتی ماهیتی شهری دارند و متناسب با محیط روستا نیستند. ورود صنایعی از این دست که در روستا تقاضایی برای محصولاتشان نیست و برای صادرات به بیرون از روستا تولید می‌شوند به مرور باعث می‌شوند محیط روستا نیز به شهر تبدیل شود. پس از تبدیل شدن روستا به شهر، پیامدهای ناشی از این تغییر خود را در قالب عوامل اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نشان می‌دهد که بسیاری از این پیامدها منفی است؛ از جمله سبک زندگی (مهاجرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷۵).

تغییر الگوی ساخت‌وساز روستایی به سبک شهری

با ورود شهرک صنعتی و مجزاشدن محل کار از محل زندگی، سبک ساخت‌وسازهای روستایی نیز آرام‌آرام با این تغییر خود را همراه می‌سازند. مثلاً، آقای شماره ۵ می‌گوید: «از وقتی در کارگاه کار می‌کنم متوجه شده‌ام یه خونه نقلی کوچیک برای من مناسب‌تره. مگه من می‌خوام مثل بقیه گاو و گوسفند داشته باشم که خونه هزارمتری بخوام.»

تغییر شیوه زندگی

با تغییر نوع شغل برخی افراد، شیوه‌های زندگی نیز متناسب با این شغل‌ها تغییر می‌کند. شغل‌های کشاورزی نیاز به ارتباط مستقیم با محیط زیست دارند، اما شغل‌های صنعتی هیچ ارتباطی با محیط ندارند. مثلاً، آقای شماره ۷ می‌گوید: «وقتی سر ماه حقوقم رو می‌گیرم می‌رم فروشگاه و کل مایحتاج یک ماه رو خریداری می‌کنم و مدت‌هاست که زمین کشاورزی‌ام رو اجاره می‌دم و بابت اون پول خوبی هم می‌گیرم.» یا خانم شماره ۱۶ می‌گوید: «از وقتی پسرم رفت سر کار، وقتی برمی‌گرده، شروع می‌کنه به رفتن توی گوسی و بعد هم که می‌خوابه اگه یه چیزی توی خونه خراب بشه، می‌گه به یکی می‌گم بیاد درست کنه و خودش دست به سیاه و سفید نمی‌زنه.»

تبدیل شدن روستا به مکانی همچون خوابگاه کارگران

با ورود نیروی کار غیربومی و اسکان این نیرو در محیط روستا، فضای روستا مانند محیط‌های شهری خواهد شد که کارگران صبح‌ها سر کار می‌روند و فقط شب‌ها برای استراحت و خواب به خانه می‌آیند. در این مورد آقای شماره ۶ به‌عنوان یک کارگر می‌گوید: «صبح‌ها می‌رم توی کارگاه کار می‌کنم و تا شب اونجا می‌مونم. من که نه خانواده دارم اینجا و نه کاری برای انجام دادن. پس بهتره اضافه‌کار وایستم. اینجا یه خونه اجاره کرده‌ایم که شب‌ها برای خواب می‌ریم اونجا.»

ناآشنا بودن افراد ساکن روستا

به‌علت مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای اطراف برای کار به این منطقه، تعداد افراد غریبه و ناآشنا زیاد شده است و همچون شهرها افراد کمتر همدیگر را می‌شناسند و کمتر به هم توجه می‌کنند. خانم شماره ۱۱ در این خصوص می‌گوید: «هر بار که می‌رم بیرون از تعداد آدم‌هایی که می‌بینم نصفشون رو نمی‌شناسم. آدم احساس می‌کنه توی شهر زندگی می‌کنه.»

مضمون ۳: تغییر و تضعیف فرهنگ بومی روستا

فرهنگ بومی شیوه زندگی مردم یا الگوی رفتاری و فکری آن‌ها با محیط تعریف می‌شود. در فرهنگ بومی، پیوند بین سنت، عوامل طبیعی، مصنوعات بشری، و تأثیرات مردم بومی بر طبیعت سرزمینشان از اصالت بیشتری برخوردار است. همچنین، رویکرد فرهنگ بومی در حفاظت از روستا، به‌عنوان میراث ملموس و زنده، باید مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها، و تقسیم کار اجتماعی در پی احیای جامعه‌ای پویا باشد که متناسب با شرایط مکانی، زمانی، و اقتصادی - معیشتی بهترین روش را برای توسعه ارائه کند (آزاد و میرهاشمی روته، ۱۳۹۵: ۹۳-۹۴).

از بین رفتن صمیمیت افراد

با ورود افراد غریبه و تغییر سبک زندگی افراد به مرور صمیمیت پیشین روستایی نیز تضعیف می‌شود. مثلاً، آقای شماره ۵ می‌گوید: «از وقتی مشغول به کار شده‌ام کمتر به دوستانم و خانواده‌ام سر می‌زنم مگر روزهای تعطیل». همین‌طور خانم شماره ۱۱ می‌گوید: «نمی‌شه با غریبه‌ها خیلی صمیمی شد. ممکنه بعداً برات دردسر بشه.»

از بین رفتن روحیه مهمان‌نوازی

آقای شماره ۱ می‌گوید: «روستایی به مهمان‌نوازی‌اش معروفه. ولی اینجا هیچ فرقی با شهر نداره. مهمان‌نوازی معنی نداره.»

از بین رفتن همبستگی بین افراد و تقویت روحیه انفرادی

شغل‌های صنعتی نیاز بسیار کمتری به همکاری و کار گروهی دارد تا کارهای کشاورزی. کارهای کشاورزی - به خاطر ماهیت آن از آب و زمین مشترک گرفته تا همکاری مشترک برای برداشت محصول - کار گروهی و همکاری را می‌طلبد. ولی در شغل‌های کارخانه‌ای به‌خصوص کارگران فقط برای دریافت دستمزد کار می‌کنند و به‌جز ابزارآلات یا نهایتاً همکار خود با افراد زیادی در تعامل نیستند. در این خصوص، آقای شماره ۷ می‌گوید: «وقتی کار کشاورزی داشتیم هر وقت کارم زیاد می‌شد، برادرهام می‌اومدن کمکم و برعکس. اما الان که توی کارگاه مشغول به کار شده‌ام فقط برای کسی کار می‌کنم که بهم پول بده.» یا آقای شماره ۵ می‌گوید: «برادر بزرگم که می‌خواست خونه بسازه بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی دو ماه برایش کار کردم و خدایی‌ش اون هم همیشه هوامون رو داشت. ولی از وقتی توی تراشکاری کار می‌کنم، فهمیده‌ام که کار مُفتی فایده نداره. آدم باید دستش توی جیب خودش باشه.»

از بین رفتن روحیه دوستی بین افراد

آقای شماره ۵ می‌گوید: «من با پسرعموم خیلی دوست بودم، ولی از وقتی که توی کارگاهش شروع کردم به کار کردن، همه‌اش بهم دستور می‌داد. به‌مرور، این رفاقتمون هم از بین رفت. فکر می‌کنه چون صاحب کاره دیگه هر جور بخواد می‌تونه رفتار کنه.» همچنین می‌گوید: «قبلاً که بچه بودم دوستای خیلی زیادی داشتم. همیشه با هم بودیم؛ حتی توی مزرعه هم نزدیک هم بودیم و کلی وقت داشتیم بشینیم روی جدول خیابون و صحبت کنیم. اما الان تا شب باید بمونیم کار کنیم. همدیگه رو هم به زور می‌بینیم.»

منفعت طلب شدن افراد

خانم شماره ۱۵ می‌گوید: «قبلاً آگه یه جعبه میوه باغمون رو می‌دادیم به همسایه‌مون ناراحت که نمی‌شدیم هیچ، خوشحالم می‌شدیم. ولی از وقتی می‌بینم شوهرم می‌ره توی کارخونه تا شب کار می‌کنه برای چندرغاز حقوق، دیگه دلم نمی‌آد یه دونه‌اش رو هم مفتی بدم به یکی.»

کاهش سرزندگی و انگیزه افراد

خانم شماره ۱۱ می‌گوید: «هر چی به شوهرم می‌گم بریم بگردیم؛ ماشین که داری. همه‌اش می‌گه آخر هفته‌ها. آخر هفته هم که می‌شه می‌خواد تا لنگ ظهر بخوابه. می‌گه خسته‌ام.» یا آقای شماره ۶ می‌گوید: «کار با آهن و فلز بعد از یه مدت آدم رو مثل خودش سرد می‌کنه.» یا آقای شماره ۷ می‌گوید: «از بس یه کار تکراری کرده‌ام دیگه حالم از زندگی به هم می‌خوره. روزی هزار دفعه باید یه دونه دستگیره لعنتی رو بچرخونم.»

از بین رفتن پوشش و لباس محلی

کارگران کارگاه‌های صنعتی به خاطر شرایط کاری باید از لباس‌های فرم استفاده کنند. و به‌ناچار پوشش قبلی خود را کنار می‌گذارند. زنان نیز که قبلاً لباس‌های محلی می‌پوشند به خاطر زیاد شدن افراد غریبه لباس‌های پوشیده می‌پوشند. همین‌طور با ورود افراد جدید به محیط روستا و نحوه لباس پوشیدن به سبک شهری، به‌مرور نحوه لباس پوشیدن روستاییان نیز تغییر می‌کند. مثلاً، خانم شماره ۹ می‌گوید: «من که دانشجو هستم و لباس دانشگاه می‌پوشم با زنان دیگه روستا هیچ فرقی ندارم. همه مثل هم لباس می‌پوشن. ولی توی روستاهای دیگه مردم لباسای محلی می‌پوشن و چقدر هم قشنگه.»

مضمون ۴: رشد نامتوازن منطقه‌ای جمعیت

مهاجرت افراد روستاهای اطراف به این روستا

با ورود صنعت به روستا به‌علت نیاز به نیروی کار، مهاجرپذیری افزایش می‌یابد. بیشتر افراد مهاجر از روستاها و شهرهای اطراف‌اند. این پدیده گرچه به ظاهر مثبت است، معمولاً هر روستایی ظرفیت به‌خصوصی برای جذب افراد مهاجر دارد و اگر بیش از ظرفیتش با افزایش جمعیت مواجه شود با مشکلات زیادی از جمله کمبود مکان سکونت، تردد، آموزش و بهداشت، و همین‌طور از هم‌گسیختگی روابط اجتماعی روبه‌رو می‌شود. آقای شماره ۷ می‌گوید: «این روستا برای این همه آدم جا نداره. درسته که بعضی‌هاشون از روستاها و شهرهای نزدیکان و شب‌ها برمی‌گردن، اما باز هم جا نداره.»

مضمون ۵: افزایش آلودگی محیط زیست

افزایش زباله‌های کارگاهی و آلودگی صوتی

ورود صنعت به یک منطقه بی‌شک با خود آلودگی به همراه می‌آورد. بسته به نوع صنعت این آلودگی نیز متفاوت خواهد بود. آلودگی صوتی، آلودگی هوا، آب‌ها، زمین، و خاک از جمله این آلودگی‌هاست که روستای خیرآباد نیز از این اثر در امان نیست. مثلاً، آقای شماره ۷ می‌گوید: «کافیه بیای داخل شهرک صنعتی، پُر از نخاله‌های صنعتیه. این قدر صدای ناخراش هم زیاده که سردرد می‌گیری. اطراف شهرک صنعتی هم همین‌جوره.» یا آقای ۱ می‌گوید: «این قدر این شهرک صنعتی آشغال تولید می‌کنه که آدم احساس می‌کنه توی زباله‌دونی زندگی می‌کنه.»

مضمون ۶: ناپایداری اقتصادی روستا

گرچه با ورود صنایع به این روستا، در اقتصاد این روستا آثار مثبتی همچون افزایش اشتغال، افزایش درآمد افراد، و به تبع آن خدمات وابسته ایجاد شده است، نباید آثار منفی آن را نادیده گرفت؛ آثاری که ماهیت شهری دارند اما به دلیل ورود صنایع و افزایش مهاجرت اتفاق می‌افتد، همچون افزایش نابرابری در بین افراد، افزایش هزینه‌های زندگی، و مصرف‌گرایی.

افزایش نابرابری در بین خانوارها

بی‌شک، با ورود صنایع و شغل‌های متفاوت و فرصت‌هایی که در پیش روی افراد قرار می‌گیرد به مرور درآمدها نیز متغیر می‌شود. برخی که صاحب کارخانه و کارگاه‌اند، به تدریج، ثروت زیادی کسب می‌کنند و کارگران در همان سطح قبلی باقی می‌مانند. مثلاً، خانم شماره ۹ می‌گوید: «پسردایی من از اولش مثل خود ماه بود؛ اختلافی نداشتیم. ولی از وقتی که کارگاه زده پول‌دارتر شده. الان دیگه رفته تهران خونه خریده و از همون‌جا هم زن گرفته. اصلاً دیگه کلاش به ما نمی‌خوره.»

افزایش هزینه‌های زندگی

به علت افزایش نیروی کار، تقاضای محصولات خوراکی، غیرخوراکی، و مسکن افزایش می‌یابد و قیمت آن‌ها بالا می‌رود. مثلاً، آقای شماره ۳ می‌گوید: «قبلاً که این‌طوری نبود؛ یه کیلو گوشت اینجا با تهران کلی اختلاف قیمت داشت، ولی الان دیگه به همون قیمت تهران، هیچ فرقی نداره. میوه هم همین‌طوره. همه چی قیمتاش شده مثل تهران.»

مصرف‌گرا شدن افراد

به علت دریافت حقوق ثابت و ماهیانه و همین‌طور بالاتر رفتن درآمد، تمایل افراد به مصرف‌کردن بیشتر شده است. مثلاً، آقای شماره ۷ می‌گوید: «قبلاً که موقع برداشت محصول بود یه دفعه یه پولی می‌اومد توی حسابت. باید می‌داشتیش توی بانک واسه کل سالت. ولی الان که اینجا کار می‌کنم سر ماه هرچی رو که درمی‌آرم باید خرج کنیم.» یا خانم شماره ۱۱ می‌گوید: «چشم و هم‌چشمی خیلی زیاد شده. نمی‌شه که وسایله خونه فامیلات شیک باشه، ولی مال ما قدیمی باشه. از وقتی درآمد زیاد شده و شوهرامون اینجا کار می‌کنن، اگه کسی یه وسیله جدید برای خونه‌اش بخره همه باید بهترش رو بخرن.»

انتقال درآمد و سرمایه‌های ایجادشده به شهرها

آقای شماره ۳ می‌گوید: «به نظر من که این شهرک صنعتی برای روستای ما منفعتی نداشته. اون‌هایی که اهل روستا نیستن که پولشون رو اینجا خرج نمی‌کنن. اون‌هایی هم که اهل همین روستا باشن، پولشون رو می‌برن توی شهر خرج می‌کنن؛ از خرید خونه گرفته تا لباس و خوراک. خیلی تغییری اتفاق نیفتاده.»

بی‌توجهی به کشاورزی روستا و جانشینی نیروی کار کشاورزی با صنعت

وقتی صنعت مرتبط با محیط روستا نباشد یکی از عوارض آن مغفول ماندن بخش کشاورزی است. مثلاً، آقای شماره ۲ می‌گوید: «من خودم کشاورزم. هیچ عایدی هم از این شهرک صنعتی نصیب نمی‌شه. تازه پسر ام که کمک‌دستم بودن،

رفته‌ان اونجا کار می‌کنن و من مونده‌ام دست‌تنها. خیلی‌ها هم زمین‌هاشون رو ول کرده‌ان رفته‌ان اونجا کار می‌کنن. هرچی هم که می‌سازن همه‌اش می‌ره شهر و هیچ کاری هم به کار ما نداره.»

مهاجرت افراد بومی به بیرون از روستا

با صنعتی‌شدن روستا و از بین رفتن جاذبه‌های محیط روستایی، بسیاری از افراد بومی ترجیح می‌دهند محیط روستا را ترک کنند. مثلاً آقای شماره ۱ می‌گوید: «اینجا اون آرامش زندگی روستایی رو نداره و با شهر هیچ فرقی نداره؛ با این تفاوت که امکانات شهری رو هم نداره. من خودم دوست دارم از اینجا برم یه جای دیگه زندگی کنم تا الان هم به خاطر خانواده‌ام مونده‌ام»

مضمون ۷: فقدان ظرفیت اقتصادی برای زنان

ماهیت صنعت و شغل‌های صنعتی بیشتر به نیروی بدنی نیاز دارد و شغل‌های مردانه حساب می‌شوند. به‌خصوص وقتی این شغل‌ها در روستا باشند فرهنگ روستا اجازه کار کردن زنان در این محیط‌ها را نمی‌دهد و در عمل صنعتی‌سازی به معنای ایجاد فرصت شغلی برای مردان است و نه زنان.

مردانه‌بودن محیط شهرک صنعتی

خانم شماره ۱۱ می‌گوید: «درسته که مردامون می‌رن سر کار و برای ما هم خوب شده، ولی خُب ما زن‌ها همه بی‌کاریم. محیط شهرک صنعتی مردونه‌ست و من خودم تا حالا یه بار هم اونجا نرفته‌ام چه برسه بخوام اونجا کار کنم.»

نبود شغل برای زنان

خانم شماره ۹ می‌گوید: «خیلی وقته می‌خوام کار کنم، ولی هیچ کاری برام نیست. هنوز هم درس تموم نشده. تموم هم بشه کار نیست. من که نمی‌تونم برم توی کارگاه با دستگاه کار کنم.»

مضمون ۸: از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری روستا

از بین رفتن چشم‌انداز طبیعی و بکر روستا

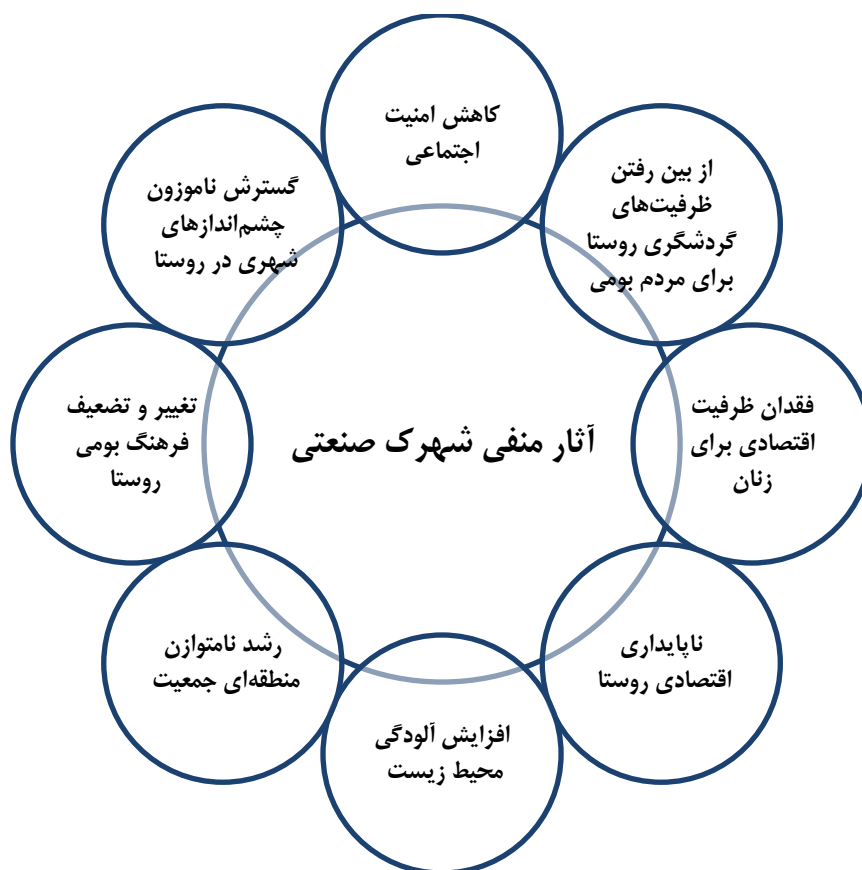
آقای شماره ۱ می‌گوید: «تا موقعی که این شهرک صنعتی اینجاست اینجا بیشتر شبیه کارخونه‌ست تا روستا. دیگه اون صفای روستایی رو نداره. اصلاً گردشگر بیاد اینجا چی کار کنه؟! بیاد کارگاه‌های فلز رو نگاه کنه؟»

از بین رفتن بافت سنتی روستا

آقای شماره ۳ می‌گوید: «دیگه به مرور همه خونه‌هاشون رو به سبک جدید ساخته‌ان. دیگه کمتر خونه‌ای پیدا می‌کنی که قدیمی باشه. معمولاً خونه‌ها کوچیک‌تر شده و با همین مصالح معمولی می‌سازن آجر و سیمان؛ و همه خونه‌ها مثل هم شده. ولی بعضی روستاها هستن که هنوز خونه و خیابوناشون به سبک قدیمیه، ولی اینجا نه.»

از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری به خاطر صنعتی‌شدن

آقای شماره ۱ می‌گوید: «طبیعت یه جاذبه گردشگریه. روستایی‌ها خودشون جاذبه‌ان، فرهنگشون و محصولات کشاورزی و دامپروری‌شون. ولی الان دیگه جاذبه‌ای برای گردشگر نیست.»



شکل ۱. آثار منفی شهرک صنعتی بر تجربه زیسته افراد بومی

نتیجه‌گیری

پژوهش‌های مرتبط با اثر صنعتی‌سازی بر توسعه روستایی را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد: در گروه اول به آثار مثبت اقتصادی صنعتی‌سازی توجه شده است؛ در گروه دوم، علاوه بر آثار مثبت اقتصادی، بر آثار مثبت اجتماعی آن نیز تأکید شده است؛ در گروه سوم نیز گرچه آثار مثبت اقتصادی و اجتماعی بررسی شده است، محور اصلی اجتماع محلی شرایط محیط زیستی و فرهنگی است؛ در گروه چهارم، علاوه بر آثار مثبت، به آثار منفی هم توجه شده است. با وجود این، بیشتر مطالعاتی که در کشور انجام شده است در گروه اول قرار می‌گیرند؛ یعنی در آن‌ها به آثار مثبت صنعتی‌سازی توجه شده است. اما نظریات و مطالعات نشان می‌دهند که صنعتی‌سازی به‌خصوص اگر از نوع شهرک‌های صنعتی باشد، می‌تواند آثار منفی بسیاری در محیط روستا به‌جا بگذارد. ولی به دلیل اینکه نظریه جامعی در خصوص آثار منفی صنعتی‌سازی وجود ندارد و فقط در برخی مطالعات داخلی در کنار آثار مثبت به مواردی از آثار منفی نیز اشاره شده است، برای شناخت آثار منفی این پدیده از رویکرد کیفی استفاده شده است. در میان رویکردهای کیفی نیز به دلیل آنکه هدف شناخت و ایجاد درکی عمیق‌تر از پدیده صنعتی‌سازی است، که کنشگران فعال آن را تجربه کرده‌اند، از روش پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. مینا و ساخت اصلی رویکرد پدیدارشناسی تفسیری بر این اساس است که پژوهشگر و شرکت‌کنندگان در مصاحبه همواره به تفسیر پدیده از دید خودشان می‌پردازند و نمی‌توان این نوع پیش‌فرض را از آن‌ها جدا کرد. بنابراین، این رویکرد بر مبنای با هم ساختن معنا و مفهوم پدیده توسط پژوهشگر و مصاحبه‌شوندگان است. در این مطالعه از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد که در آن شرکت‌کنندگان در پاسخ به سؤال اصلی این

پژوهش بر اساس رویکرد پدیدارشناسی، که صنعتی‌سازی از دید افراد محلی روستا چگونه تجربه شده است، در مصاحبه‌ای عمیق، تجربه شخصی خود را از پدیده صنعتی‌سازی روستای خیرآباد به صورت تفصیلی بیان کردند. پس از مصاحبه، در مرحله اول نخست با استفاده از کدگذاری باز اظهارات عمده و مهم مشارکت‌کنندگان برگزیده شد. سپس، به کدگذاری محوری اقدام شد. بدین معنا که افق‌ها در واحدهای اطلاعاتی بزرگ‌تری موسوم به مضمون‌های اساسی دسته‌بندی شد. در مرحله بعد، با استفاده از مضامین تولیدشده، نخست به توصیف آنچه تجربه شده است با استفاده از کدگذاری گزینشی برای هر یک از مشارکت‌کنندگان پرداخته شد. درنهایت، به نوشتن یک تحلیل ترکیبی (ترکیبی از نظرات مرحله قبل و بازخوردهای این مرحله) اقدام شد. سپس، بین مطالعات قبلی و مضمون‌های شناسایی‌شده ارتباط برقرار شد و درنهایت، با یک پارچه‌سازی، گزارش نهایی از یافته‌ها ارائه شد.

نتایج به‌دست‌آمده با استفاده از روش پدیدارشناسی نشان داد که آثار منفی در قالب مضمون‌های کاهش امنیت اجتماعی، گسترش ناموزون چشم‌اندازهای شهری در روستا، تغییر و تضعیف فرهنگ بومی روستا، رشد نامتوازن منطقه‌ای جمعیت، افزایش آلودگی محیط زیست، ناپایداری اقتصادی روستا، فقدان ظرفیت اقتصادی برای زنان، از بین رفتن ظرفیت‌های گردشگری روستا برای مردم بومی روستا تجربه شده است.

این نتایج نشان می‌دهد که در مطالعات پیشین نیز به‌درستی برخی از این اثرهای منفی، از جمله آلودگی محیط زیستی، تغییر الگوی مصرف خانوارها، آلودگی هوا و آب‌های زیرزمینی و آلودگی صوتی، از بین رفتن منابع طبیعی روستا، غیربومی‌بودن نیروی کار، تأثیرگذاری اندک در مهاجرت روستاییان به شهرها، کاهش گردشگری، کاهش روحیه دوستی و صمیمیت بین مردم، مصرف‌گرا شدن مردم روستا، افت بخش کشاورزی موردتوجه قرار گرفته است. اما در بسیاری دیگر از مطالعات اثرهایی همچون مضامین فرعی کاهش امنیت اجتماعی، گسترش ناموزون چشم‌اندازهای شهری در روستا، تغییر و تضعیف فرهنگ بومی روستا، فقدان ظرفیت اقتصادی برای زنان، و رشد نامتوازن منطقه‌ای جمعیت لحاظ نشده است. همچنین، در مطالعات پیشین به برخی اثرها نیز اشاره شده است که از نتایج این مطالعه استخراج نشده است، همچون تخریب بازارهای محلی، کاهش تحصیل جوانان و افزایش ساخت‌وساز در حاشیه روستا، و نیز ساخت خانه‌های دوم.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده این مطالعه، ابعاد آثار منفی شهرک صنعتی بر مردم بومی روستا بسیار فراتر از آن است که به صورت پیش‌فرض نزد پژوهشگران وجود دارد. بنابراین، پیشنهاد این مقاله آن است که سیاست‌گذاران حوزه توسعه روستایی باید با احتیاط با ایجاد و گسترش ناحیه‌ها و شهرک‌های صنعتی برخورد کنند، زیرا آثار منفی آن گریزنپذیر به نظر می‌رسد و انجام‌دادن مطالعات پیوست اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی برای پیش‌بینی اثرهای احداث نواحی شهرک‌های صنعتی و اتخاذ راهکارهایی برای مدیریت اثر آن‌ها، و مشارکت جامعه محلی در برنامه‌ریزی و توسعه نواحی صنعتی روستایی می‌تواند پیامدهای آن را ارزیابی کند. همچنین، به جای ناحیه‌های صنعتی، برای توسعه روستا، می‌توان به رویکردهای صنایع کوچک و متوسط متناسب با محیط روستا، رویکردهای پهنه‌ای، شبکه‌ای، مشارکتی، و کارآفرینی اجتماعی، با تمرکز بر توسعه زنجیره ارزش کالا و خدمات روستایی، توانمندسازی، آموزش و تأمین مالی اجتماع‌محور که می‌تواند توسعه متوازن منطقه‌ای، تثبیت جمعیت و معیشت را تأمین کند توجه بیشتری کرد.

منابع

۱. آزاد، میترا و میرهاشمی روته، سیداحسان، ۱۳۹۵، توسعه و حفاظت در بافت‌های ارزشمند روستایی، با رویکرد به فرهنگ بومی، نشریه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۵، شماره ۱۵۴، صص ۸۹-۱۰۶.

۲. اعرابی، سیدمحمد و بودلایی، حسن، ۱۳۹۰، راهبرد تحقیق پدیدارشناسی، فصل‌نامه روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۱۷، شماره ۶۷، صص ۳۱-۵۸.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۹۲، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: سمت
۴. پورطاهری مهدی، رکن‌الدین افتخاری عبدالرضا، نقوی محمدرضا، ۱۳۹۲، نقش شهرک‌های صنعتی در توسعه اقتصادی روستاهای پیرامون، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۸، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۱۶.
۵. جلالی، رستم، ۱۳۹۱، نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، جلد ۱، شماره ۴، صص ۳۱۰-۳۲۰.
۶. حمزه‌ئی، مجید؛ شایان، حمید و بوزرجمهری، خدیجه، ۱۳۹۳، ارزیابی آثار اجتماعی شهرک‌های صنعتی بر ناحیه‌های روستایی (مورد: شهرک صنعتی خیام نیشابور)، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۴۹.
۷. خوش‌فر، غلامرضا؛ محمدی، آرزو؛ محمدزاده، فاطمه؛ محمدی، راضیه و اکبرزاده، فاطمه، ۱۳۹۳، امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۱، صص ۷۱-۱۰۲.
۸. سرور امینی، شبنم؛ اسدی، علی و کلانتری، خلیل، ۱۳۸۹، بررسی آثار شهرک صنعتی اشتهارد بر توسعه روستاهای همجوار، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، سال بیست و چهارم، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۲۲۷-۲۳۸.
۹. طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۰، نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی در استان مرکزی)، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۳، شماره ۴۰، صص ۳۳-۴۵.
۱۰. قدیری معصوم، محتبی و قراگوزلو، هادی، ۱۳۹۰، نقش نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: ناحیه صنعتی خورآباد، استان قم)، فصل‌نامه اقتصاد و فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۲، صص ۱-۱۴.
۱۱. کاظمی، سیدحسین و دانایی‌فرد، حسن، ۱۳۹۰، پژوهش‌های تفسیری در سازمان: استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
۱۲. لیست واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌ها و نواحی صنعتی، ۱۳۹۸، شرکت شهرک‌های صنعتی استان مرکزی.
۱۳. مهاجرانی، علی‌اصغر؛ حقیقتیان، منصور و یوسف‌نیا، مهدی، ۱۳۹۵، بررسی تأثیر راهبرد تبدیل روستا به شهر بر سبک زندگی افراد در روستاهای نشیمن، سلامی و جنگل در استان خراسان رضوی، فصل‌نامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۳، شماره ۴، صص ۴۶۵-۴۷۳.
۱۴. میرزاعلی، محمد و عسگری، ابوالفضل، ۱۳۹۴، بررسی آثار شهرک‌های صنعتی بر ناحیه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی فراهان)، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم جغرافیایی، مؤسسه عالی فناوری خوارزمی.
۱۵. نیجویی‌فرد، مسعوده و رحمانی، بیژن، ۱۳۹۷، تأثیرات گسترش صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای بر توسعه روستایی (نمونه موردی ناحیه صنعتی خیرآباد، شهرستان اراک)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی توسعه روستایی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
16. Azad, M. and Mir Hashemi Roteh, S. E., 2016, Development and Protection in Valuable Rural environments, with an Approach to Indigenous Culture, *Journal of Housing and Rural Environment*, Vol. 35, No. 154, pp. 89-106. (in Persian)
17. Arabi, S. M. and Budlaei, H., 2011, Phenomenological Research Strategy, *Journal of Humanities Methodology*, Vol. 17, No. 67, pp. 31-58. (in Persian)
18. Papoli Yazdi, M. H. and Ebrahimi, M.A., 2013, Rural Development Theories, Tehran: Samt Publications. (in Persian)
19. Pourtaheri Mehdi, Rokoddin Eftekhari Abdolreza, Naghavi Mohammadreza, 2013, The role of industrial estates in the economic development of surrounding villages, *Geographical Research*, Vol. 28, No. 3, pp. 103-116.
20. Jalali, R., 2012, Sampling in qualitative research, *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, Vol. 1, No. 4, pp. 310-320. (in Persian)
21. Hamzehie, M.; Shayan, H. and Bouzarjamahri, Kh., 2014, Evaluation of Social Effects of Industrial Towns on Rural Areas, Case: Khayyam Neishabour Industrial Town, *Journal of Space Economics and Rural Development*, Third Year, No. 3, pp. 149-163. (in Persian)
22. Khoshfar, Gh.; Mohammadi, A.; Mohammadzadeh, F.; Mohammadi, Ra. and Akbarzadeh, F., 2014, Social Security and Social Health, *Iranian Journal of Social Studies*, Vol. 9, No. 1, pp. 71-102. (in Persian)

23. Sarvar Amini, Sh.; Asadi, A. and Kalantari, Kh., 2010, Investigating the effect of Eshtehard Industrial estate on the Development of Neighboring Villages, *Journal of Economics and Agricultural Development*, Year 24, Vol. 24, No. 2, pp. 227-238. (in Persian)
24. Taherkhani, M., 2001, The Role of Industrial estates in Rural Development (Case Study: Rural Industrial estates in Markazi Province), *Journal of Geographical Research*, Vol. 33, No. 40, pp. 33-45. (in Persian)
25. Qadiri Masoum, M. and Qaraguzlu, H., 2011, The role of industrial estates in economic and social development of rural settlements (Case study: Khurabad industrial zone, Qom province), *Journal of Economics and Space and Rural Development*, Year 1, No. 2, pp. 1- 14. (in Persian)
26. Kazemi, S. H. and Danaeifard, H., 2011, Interpretive Research in Organization: Phenomenology Strategies, , Tehran: Imam Sadeq University Press. (in Persian)
27. List of industrial units located in towns and industrial estates, 2020, Markazi Province Industrial Towns Company. (in Persian)
28. Mohajerani, A.; Haghghatian, M. and Yousefnia, M., 2016, Investigating the effect of village-to-city conversion strategy on people's lifestyles in Nashtifan, Salami and Jangal villages in Khorasan Razavi province, *Journal of Rural Development Strategies*, Vol. 3, No. 4, pp. 465-473. (in Persian)
29. Mirza Ali, M. and Asgari, A., 2015, Investigating the effect of industrial estate on rural development (Case Study: Farahan Industrial Town), *2nd International Conference on Geographical Sciences*, Kharazmi Higher Institute of Technology, Shiraz, Iran. (in Persian)
30. Nikoyifard, M. and Rahmani, B., 2019, *Impacts of Manufacturing and Industrial Activities on Rural Development (Case Study: Industrial Zone of Kheirabad, Shahrestan-e-Arak)*, Master's thesis in rural development planning, Shahid Beheshti University of Tehran. (in Persian)
31. Ajjawi, R. and Higgs, J., 2007, Using hermeneutic phenomenology to investigate how experienced practitioners learn to communicate clinical reasoning. *The Qualitative Report*, Vol. 12, No. 4, pp. 612-638.
32. Bechara, L. and Magrini, A., (2009), Eco-Industrial park Development in the Riodeganeiro Brazil ,*Journal of Cleaner Production*, May 2009, 17(7):653-661 · Chiu.SY. (2008): Agricultural Trade Reform and Rural Prosperity
33. Cuchiloi, 2005, M. Chapter 3. Rural to urban migration. Institute of developing economics Japan external trade organization (IED.JETRQ). Hanoi. Vietnam.
34. Das, R. and Das Ashim, K., 2011, Industrial Cluster: An Approach for Rural Development in North East India, *International Journal of Trade, Economics and Financ*, Vol. 2, No. 2, pp. 161-165 ISSN: 2010-023X.
35. Fesel, B. and Söndermann, M., 2007, *Culture and Creative Industries In Germany*, German Commission For UNESCO, Published With The Financial Support Of The Federal Foreign Office Of The Federal Republic Of Germany.
36. Hong, U., 2011, A Study on the Patterns of Rural Industrial Development in China, *Progress in Geography*, Vol. 29, Issue 12, pp. 1597-1605.
37. Kishore, C., 2004, Rural non-farm activities in specific regions of Orissa, *Journal of Rural Development*, No. 16, pp. 457-464.
38. Kumar, S., 2005, *Rural Development through Rural Industrialization: Exploring the Chinese Experience*.
39. Lee, S., 2007, *Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea*, Pyongyang: INSES.
40. Neuman, W.L. 2014. *Social research methods: qualitative and quantitative approaches*. University of Wisconsin-Whitewater. Second edition.
41. Singhal, S. and Kapar, A., 2002, In India- an integrated approach towards industrial ecology. *Journal of Environmental Management*, 66.
42. Wang, X., 2001, *Practicum Report Rural Industrialization in China*, Saint Marys University.
43. Wang, M.; Webber, M.; Finlayson, M. and Barnett, J., 2008, Rural Industries and Water Pollution in China, *Journal of Environmental Management*, Issue 4, pp 648-659.